



سیام سا، مکمل

سال دوم، شماره ۱۲ نشریه سیاسی - تئوریک سازمان ۱۹ بهمن شهریور ۱۳۹۱

☆ گرامی باد باد رفقای رزمنده مهرنوش ابراهیمی و جنگیر بجادی ☆
تاریخ شهادت: ۱۱ و ۸ مهر ۱۳۵۰



مطالب این شماره:

- ☆ درباره‌ی وحدت کمونیست‌ها
- ☆ منفعت سرمایه و سرکوب، جهانی است
- ☆ بین‌المللی‌شدن سرمایه‌ی انحصاری (قسمت هفتم)

سر مقاله درباره‌ی وحدت کمونیست‌ها مقدمه

در روزهای ۲۲ الی ۲۴ ژوئن ۲۰۱۲ برابر با ۲ الی ۴ تیرماه ۱۳۹۱ نشست با حضور نمایندگان ۳۰ "حزب، سازمان و نهاد سیاسی چپ و کمونیست" با هدف "سرآغازی برای یک تلاش مشترک وسیع‌تر کلیه‌ی نیروهای کمونیست و انقلابی برای نهادینه‌کردن همکاری‌ها و تبادل نظر" در شهر کلن در آلمان برگزار گردید. گذشته از نحوه‌ی غیردمکراتیک دعوت به این نشست، مهم‌ترین موضوع عدم اطلاع مبتکرین این نشست از اصول حاکم بر مبارزه‌ی طبقاتی در ارتباط با "نهادینه‌کردن همکاری میان نیروهای چپ، کمونیست و انقلابی" است. ادامه در صفحه‌ی ۲

منفعت سرمایه و سرکوب، جهانی است

در منطق سرمایه، گلوله پاسخ هرگونه اعتراض است. چنین سیاست و فلسفه‌ای فرامنطقه‌ای و کشوری است. به باور حاکمان باید هر خیزش و بیان مطالبات به حق را لت و پار و در نطفه خفه نمود. زبان و ادبیاتی که در تخالف با زبان و ادبیات کارگران و زحمت‌کشان است. انسان از منظر سرمایه به‌عنوان کالای سودده به حساب آمده و می‌بایست در خدمت به خواسته‌های اقتصادی و سیاسی‌اش قرار گیرد. موظف به کار و تولید بیشتر است. این متد و خواست، همگانی است و رنگ و پوست و مرز نمی‌شناسد و داستان سرمایه به هم، فقط و فقط حفظ و تداوم منفعت است. ادامه در صفحه‌ی ۵

بین‌المللی‌شدن سرمایه‌ی انحصاری (قسمت هفتم)

وقتی یکی از آن‌ها قیمت‌اش را متفاوت از دیگران می‌نماید، اثر آن بلافاصله توسط دیگران احساس می‌شود اگر شرکت الف قیمت‌اش را کاهش می‌دهد، ممکن است که برخی از تقاضاهای جدید را در نظر گرفته شده باشد، اما تأثیر اصلی در واقع برای جذب مشتریان و دوری آن‌ها از شرکت‌های ب، ث و د خواهد بود. این شرکت‌ها نیز در صورتی که حاضر به رها کردن کسب خویش به شرکت الف نباشند، با کاهش قیمت‌هایشان حتا پائین‌تر از نرخ شرکت الف، اقدام به تلافی می‌کنند. ادامه در صفحه‌ی ۷

درباره‌ی وحدت کمونیست‌ها

تعریف و اشکال مختلف وحدت

در مفهوم عام، به صورت اختصار وحدت یعنی درهم‌ذوب‌شدن، یکی‌شدن و یگانه‌شدن و در مفهوم خاص آن برای کمونیست‌ها وحدت یعنی یگانگی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی. درعین حال مقوله‌ی وحدت در عرصه‌ی سیاسی- مبارزاتی از جنبه‌ی کمونیستی دارای دو شکل می‌باشد. یکی شکل عام و دیگری شکل خاص. شکل عام آن یعنی وحدت کمی و کیفی وسیع در قالب حزب واحد و شکل خاص آن یعنی وحدت کمی و کیفی محدود در چارچوب گروه‌ها یا سازمان‌های مختلف.

برای شکل خاص این نوع از وحدت، در صورت وجود عناصر کمونیست و بینش تقریبی همگون، همواره شرایط شکل‌گیری میبایست به خصوص که این نوع از وحدت نه نیاز به ارتباط ارگانیک با طبقه دارد و نه لازمه‌ی شکل‌گیری آن حضور محسوس و عینی حتا عناصری از طبقه‌ی کارگر است.

اما برای شکل عام آن علاوه بر عناصر کمونیست، نیاز به شرایط، مراحل و پارامترهای متعددی از جمله مهم‌ترین آن‌ها حضور عینی و ملموس طبقه‌ی کارگر در آن می‌باشد، تا به این مهم به صورتی واقعی و نه صورتی دست‌یافت.

شرایط تبلور و پیدایش وحدت عام (حزبی)

به‌طور کلی و از نظر اصولی، موضوع وحدت کمونیست‌ها امری است مربوط به داخل کشور، زیرا بدون حضور کمونیست‌ها در بستر اصلی مبارزه و بدون پیش‌برد امر انقلاب در وجه داخلی آن، هرگونه تلاش در خارج از کشور حول وحدت‌یابی کمونیست‌ها، آن هم به مثابه وحدت حزبی، صرفن ذهنی و فاقد پایه‌های عینی و

بحث و کنکاش پیرامون مقوله‌ی وحدت کمونیست‌ها در شرایط کنونی، بیشتر به معنای پرداختن به مبحثی آکادمیک می‌باشد تا امری زنده و جاری. خصوصاً در شرایطی که بقایای آنچه که زمانی از آن به عنوان جنبش نوین کمونیستی ایران یاد می‌شد، اینک خلاصه شده است به عده‌ی خیلی از "افراد مستقل" و جریاناتی که کمیت آنان در بهترین حالت فراتر از حروف تشکیل دهنده‌ی اسامی‌شان نیست و به صورت پراکنده در اقصا نقاط خارج از کشور فرار گرفته‌اند که درعین حال نیز فاقد هرگونه ارتباط ارگانیک با داخل کشور و مبارزات آن می‌باشند.

نکته‌ی جالب توجه و طنز این که، برخی از جریانات مذکور خود را "حزب کمونیست" هم می‌نامند! در حالی که حتا عاجز از گردآوری و ایجاد وحدت سیاسی- ایدئولوژیک جمع‌کنندگی از کمونیست‌های موجود در حصار به اصطلاح تشکیلاتی خود می‌باشند، چه رسد به جذب طبقه‌ی کارگر و به طریق اولی اقبال پیشرو آن.

باری، از آن جا که در وجه غالب در بین افراد و جریانات مورد بحث، به علت سطح نازل کیفی، بسیاری اوقات به اشتباه امر وحدت با مسئله‌ی اتحاد یکی انگاشته می‌شود و به همین دلیل هم طبعاً درک درست و واحدی از این دو مقوله در میان این طیف مطرح نمی‌باشد، بنابراین ضروری‌ست که بدان پرداخته شود.

در نتیجه، تلاش این نوشتار بیشتر این خواهد بود که به طور بنیادی و از زوایای مختلف به موضوع وحدت در صفوف کمونیست‌های ایران بپردازد. لازم به ذکر است که برخی از اصول و مبانی که در متن به آن خواهیم پرداخت، جنبه‌ی عمومی و جهان‌شمول نداشته و برآمده از تحلیل مشخص از شرایط مشخص ایران می‌باشند.



عملی لازم خواهد بود.

ناگفته نماند که براساس شرایط مشخص جامعه‌ی ایران و تنها تحلیل مشخص و درست تاکتونی آن (مبارزه‌ی مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک)، اگر در حال حاضر بخش اعظم یا حتی کل جنبش کمونیستی هم در داخل کشور می‌بود و در بطن جامعه‌ی ایران حضور عینی هم می‌داشت، بازهم کمونیست‌ها می‌بایستی به شکل گروه‌ها و سازمان‌های مختلف پیشرو به امر تشکیل‌یابی خویش می‌پرداختند و نه به صورت حزبی.

کما این که در دوران گذشته و در درون کشور و حتی امروز در خارج از کشور، بودند و هستند جریاناتی که ادعای وحدت وسیع افراد و نیروهای کمونیست را در درون تشکیلات خویش داشته و دارند و اتفاق نام خود را هم "حزب کمونیست" گذاشته و می‌گذارند، اما در واقعیت امر این‌ها نه فقط هیچ ربطی به طبقه‌ی کارگر نداشته، بلکه شابهتی حتی کاریکاتورگونه هم به حزب واقعی کمونیست نداشته و ندارند. درواقع این گونه جریانات هرگز چیزی جز "احزابی" بر روی کاغذ که توسط عده‌ای روشن‌فکر ناصداق جدا از توده ترسیم گشته‌اند، نبوده و نیستند.

برای کمونیست‌ها یکی از اصول جهان‌شمول، تشکیلات است. بدین معنی که اساس کمونیسم و کمونیست‌بودن بدون تشکیلات نمی‌تواند بازتاب عینی داشته باشد. اما این که چه تشکیلی و چگونه تشکیلاتی را باید ساخت، برمی‌گردد به شرایط هر کشور. به عبارت دقیق‌تر شکل و محتوای یک تشکیلات کمونیستی را ضرورت‌های مبارزاتی برآمده از دل مختصات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه‌ای تعیین می‌نماید که آن کمونیست‌ها در بطن آن قرار دارند و به تحلیل جامع آن مبادرت می‌ورزند.

از لحاظ شکلی یا به عبارت دیگر تشکیلاتی، شکی نیست که عالی‌ترین شکل تشکیل‌یابی کمونیست‌ها در تحلیل نهائی حزب است و اساسن طبقه‌ی کارگر و کمونیست‌ها بدون

وجود حزب، قادر به تحکیم انقلاب و پیشبرد جامعه به سوی استقرار سوسیالیسم نخواهند بود.

اما به قول رفقای بنیان‌گذار جنبش نوین کمونیستی ایران در سال‌های پایانی دهه‌ی ۴۰ که براساس تحلیل دقیق و مشخص از شرایط خاص ایران به درستی مطرح کردند که می‌توان بدون حزب مبارزه را آغاز کرد و تا مرحله‌ی از پیشرفت انقلاب کار را بدون وجود حزب به پیش بُرد (روند عینی و عملی مبارزه‌شان هم درستی این امر را به اثبات رساند)، شکل مطلوب و عملی سازمان‌یابی کمونیست‌ها در شرایط ایران که دارای بازدهی مبارزاتی و پیشبرنده‌ی امر انقلاب باشد، همانا سازمان یا تشکیلاتی با ساختار سیاسی- نظامی است.

در مرحله‌ی از پیشروی انقلاب با گسترش مبارزه‌ی مسلحانه از سوی گروه‌ها و سازمان‌های کمونیستی از یک سو و شکل‌گیری فضا و فرجه‌ی مناسبی که در بستر این مبارزه‌ی انقلابی برای شکوفائی و رشد فراگیر مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر و اقشار زحمت‌کش جامعه از سوی دیگر ایجاد می‌شود، مقوله‌ی حزب و التزام کمونیست‌ها به وحدت وسیع یا عام در آن شرایط و همچنین ضرورت سازمان‌یابی سیاسی طبقه‌ی کارگر در تشکیلاتی فراگیر به امری مشخص، ملموس و شدنی تبدیل گردد و به این ترتیب شرایط عینی و ذهنی ایجاد حزب واقعی کمونیست مهیا خواهد گشت.

شرایط کنونی

در حال حاضر آن چه که از جنبش کمونیستی ایران باقی مانده در خارج از کشور و شاید مناسب‌تر این باشد که بگوئیم در ناکجاآباد سیاسی- مبارزاتی به سر می‌برد و نه تنها فاقد هرگونه ارتباط با طبقه است، بلکه فاقد هرگونه دخالت‌گری و اثرگذاری بر روند مبارزات داخل کشور نیز می‌باشد. این جنبش نحیف‌شده، اینک در پرتگاهی بسیار هولناک قرار گرفته است. اکنون سال‌هاست که از لحاظ عملی در چمبره‌ی بی‌عملی گرفتار آمده و در برهوت و هم‌انگیز خویش درجا می‌زند و صدالبته که نام



برخورد نماید، در شرایط خارج از کشور نه تنها به هیچ وجه قادر به دستیابی به وحدت عام نیست، بلکه حتا امکان برقراری اتحاد پایدار از نوع وسیع و جبهه‌ای آن را هم ندارد.

در عین حال نتایج این تلاش‌های ارادی صرف، تاکنون نشان داده که این جنبش در بستر خارج از کشور و در بهترین حالت تنها می‌تواند ضمن دل‌مشغولی عده‌ای از افراد و به اصطلاح کادرهای سازمان‌های موجود در آن، بر سر اتحاد عمل‌های موردی آن هم به شکلی محدود و نه فراگیر توفیقاتی داشته باشد.

اصول و عوامل عمده در راستای ایجاد وحدت عام

کمونیست‌ها (حزب)

می‌توان گفت که وحدت وسیع یا همان عام کمونیست‌ها در شرایط ایران به طور کلی به پنج عامل و پارامتر اساسی بستگی دارد:

- ۱- ضرورت حضور حداقل بخش عمده‌ای از کمونیست‌ها در بستر اصلی مبارزه یعنی داخل کشور.
- ۲- ضرورت دستیابی بخش قابل‌توجه‌ای از کمونیست‌ها به تحلیلی واقعی از شرایط مشخص جامعه ایران و باور عمیق به آن.
- ۳- ضرورت پذیرش و کاربرد تاکتیک و استراتژی مسلحانه یا به عبارت دیگر اتخاذ و اعمال خط‌مشی مسلحانه از سوی بخش هرچه وسیع‌تری از نیروهای کمونیست در پیشبرد مبارزه انقلابی برعلیه دولت و سیستم وابسته به امپریالیسم حاکم بر جامعه ایران.
- ۴- ضرورت رشد فراگیر مبارزات خودبه‌خودی طبقه‌ی کارگر در سطح جامعه و برقراری ارتباط ارگانیک کمونیست‌ها با آن در پروسه‌ی رشد و گسترش مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی در بطن جامعه.
- ۵- شکل‌گیری ارتش خلق و ایجاد مناطق آزادشده از سیطره‌ی سیاسی، نظامی و اقتصادی دشمن.

آن را هم "پیشبرد مبارزه‌ی انقلابی در پشت جبهه" می‌نامد. پشت جبهه‌ای که عملاً خط مقدمی ندارد!

از جنبه‌ی نظری، افکار، نظرگاه‌ها و تحلیل‌های غلط و غیرمنطبق با شرایط حاکم بر جامعه‌ی ما، بر این جنبش مستولی گشته و بخش اعظم نیروهای آن به ورطه‌ی اپورتونیسم چپ و راست درغلطیده‌اند که این خود به همراه شرایط نامطلوب جهانی، شکست و سرکوب مبارزات پیشین راه را برای رشد هرچه بیشتر تفکرات رویزیونیستی، پاسیفیستی و انحلال‌طلبانه و همچنین غلبه‌ی روحیه‌ی فردگرایانه در این جنبش هموار نموده است.

در بُعد تشکیلاتی نیز جنبش نوین کمونیستی ایران در دوران اخیر سیری نزولی را طی نموده است. از جمله‌ی علل آن می‌توان به تحولات دو دهه‌ی گذشته در سطح جهانی و همچنین وجود بحران داخلی سیاسی- تشکیلاتی و تا حدودی ایدئولوژیک، عدم به کارگیری و رعایت اصول و موازین کمونیستی در عرصه‌ی تشکیلاتی و اخلاقی، شکست‌های پیاپی مبارزاتی در نتیجه‌ی اعمال بینش‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های غلط، عقب‌نشینی ظاهرین تاکتیکی اولیه در برابر دشمن منتهی به خروج کلی و استراتژیک از عرصه‌ی اصلی مبارزه و همین‌طور پراکنده‌گی و سرخورده‌گی‌های وسیع ناشی از آن در صفوف نیروهای این جنبش و اضمحلال سازمانی نهائی منبعت از آن اشاره کرد.

بر همین پایه می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ سازمانی، این جنبش به مرحله‌ی تجمع ساده‌ی نیروها عقب‌گردی ناخواسته نموده است و این یعنی رجعت ناآگاهانه‌ی تشکیلاتی به نقطه‌ی صفر یا شروع آن در اواخر دهه‌ی چهل.

ناگفته نماند که طی دو دهه‌ی گذشته از سوی برخی جریانات منسوب به این جنبش تلاش‌هایی در راستای وحدت و اتحاد نیروهای کمونیست صورت گرفته که نتایج آن خود به عینه بیان‌گر آن است که جنبش کمونیستی، هر قدر هم که اراده‌گرایانه با این مقوله



همه جا این چنین است و همین چند وقت پیش - یعنی در ۱۶ اگوست ۲۰۱۲ - بود که پلیس آفریقای جنوبی در اقدامی وحشیانه به روی کارگران معادن پلاتین منطقه‌ی ماریکانا، که دست به اعتراض زده بودند، آتش گشود و جان چند تن از آنان را گرفت و چندین نفر را زخمی و هم چنین صدها نفر دیگر را دستگیر نمود. البته که تعرض وحشیانه‌ی حافظان سرمایه‌ی آفریقای جنوبی به کارگران، تک‌مورد و نمونه نیست و بارها و بارها زورمداران همراه با چپاول و استثمار، به سرکوب اعتراضات و اعتصابات آنها پرداخته‌اند. چرا که بر این باوراند بدون کاربست سلاح قادر به پیش‌برد نظم دلبخواه خود نیستند. به عبارتی دیگر سیمای زندگی کارگران و زحمت‌کشان منطقه‌ی خاورمیانه، آفریقا، آمریکا و دیگر قاره‌ی جهان شبیه به هم است. سرمایه‌داران استثمار و بی‌عدالتی‌ها را به اوج خود رسانده‌اند و مزد در ازای کار نیست و مزدهای ناچیز هم کفاف زندگی بخورونمیر را نمی‌دهد. می‌خواهند تا کارگر بیشتر تولید کند و کمتر دست‌مزد دریافت نماید و در عوض، سرمایه سود بیشتری به جیب زند. کار و تولید در میدین تحت سلطه‌ی سرمایه هم کاملاً طاقت‌فرساست. فقدان امکانات بهداشتی و کاری و به تبع آنها گرانی سرسام‌آور زندگی کمر کارگران را خرد نموده است. واقعیت این است که کارگران سرتاسر دنیا و از جمله معدن‌چیان آفریقای جنوبی توان سازمان‌دادن و تهیه‌ی ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی را از دست داده‌اند. فقر و نداری دارد بیداد می‌کند و به بهانه‌ی دفاع از صلح و آزادی هم دارند بر دامنه‌ی بگیر و ببندها و سرکوب‌ها می‌افزایند.

در حقیقت طبقه‌ی سرمایه مدافع فشار هر چه بیشتر به زندگی توده‌های محروم است و در مقابل هم طبقه‌ی کارگر خواهان حقوق بیشتر و زندگی بهتر است؛ خواهان جامعه‌ی انسانی‌ست؛ جامعه‌ای که در آن بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها به ابدیت پیوندند و همه از نعمات و امکانات جامعه بهره ببرند.

بنابراین در بیانی فشرده و به اختصار می‌توان گفت که وحدت وسیع کمونیست‌ها در شرایط خاص ایران به طرز اجتناب‌ناپذیر منوط به حضور بخش وسیعی از افراد و نیروهای کمونیست در درون کشور، داشتن تحلیلی درست و منطبق با شرایط حاکم بر جامعه‌ی ایران، اتخاذ خط‌مشی مسلحانه، گسترش مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه در بطن جامعه، رشد مبارزات خودبه‌خودی طبقه‌ی کارگر در سطح جامعه، تلاقی و ایجاد ارتباط ارگانیک این دو با هم، تشکیل ارتش خلق و شکل‌گیری مناطق آزادشده دارد.

نکته‌ی آخر این که مبارزه‌ی انقلابی کمونیست‌ها در تمامی عرصه‌های آن، علاوه بر هر چیز دیگر و مهم‌تر از همه، یک مسئله‌ی عملی‌ست و عمل آگاهانه و انقلابی افراد و نیروهای کمونیست را می‌طلبد. تئوری انقلابی بدون عمل انقلابی صیقل نمی‌یابد و به بار نمی‌نشیند.

منفعت سرمایه و سرکوب، جهانی‌ست

ادامه از صفحه ۱

به جهان کنونی تحت سیطره‌ی سرمایه‌داران بین‌المللی و هم‌چنین به زندگی میلیاردها انسان محروم - که روزانه دارد توسط رسانه‌های امپریالیستی مخابره می‌گردد - نگاهی بیاندازیم تا بر عمق و ابعاد وحشی‌گری‌های حاکمان بی‌بیریم. دارند هم‌زمان با استثمار وحشیانه و تعرض به تنه‌های کارگران و زحمت‌کشان جنگ به راه می‌اندازند و زیر ساخت‌های جوامع بشری را زیر و رو می‌کنند. مفاهیم انسانی و به رسمیت‌شناختن حق و حقوق در دنیای فعلی، بی‌معنی و لوٹ شده است و سخن از طرح مطالبات اولیه در چنین مناسبات و روابطی، جرمی نابخشودنی به حساب آمده و جواب آن گوله است.

تعرض، جوهر سیاست پرولتری است!

مرگ بر امپریالیسم و سگ‌های زنجیری‌اش!



کاراند که جنبش‌های اعتراضی کارگری فاقد سازمان رزمنده‌ی کمونیستی‌ست. سازمانی که بتواند در گره‌گاه‌های تاریخی نقش ایفاء نماید و جامعه‌ی انسانی را به مسیر حقیقی‌اش رهنمون سازد. متأسفانه جنبش‌های اعتراضی کارگران و توده‌های محروم آفریقای جنوبی به‌مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی از چنین تقصانها و نارسائی‌هایی در رنج و عذاب‌اند و بی‌دلیل هم نیست که سرمایه‌علی‌رغم بحران گریبان‌گیرش هم‌چنان در سرتاسر جهان دست‌بالا را دارد و از تعرض خویش پس نمی‌کشد. در حقیقت فضای دنیا به دلیل تعرض بی‌حدوحصر سرمایه‌ملت‌ب است و هم‌چنین مشاهده‌ی اعتراضات کارگری - توده‌ای در سرتاسر جهان و به ویژه کارگران معادن آفریقای جنوبی علی‌یه حاکمان و سرمایه‌داران، به نوبه‌ی خود نمایان‌گر این واقعیت است که افکار و عمل‌کرد کارگر با تغییر و دگرگونی مناسبات حاکم بر جامعه سازمان یافته است.

از منظری دیگر و بنا به مطالعات و مشاهدات عینی می‌توان بر این نکته تأکید ورزید که جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ای نیاز به سامان‌یابی و سازمان‌دهی کمونیستی دارد. چرا که کارگر خواهان تداوم زندگی نکبت‌بار تحمیلی سرمایه‌داران به میلیون‌ها انسان محروم نیست. علناً و فارغ از صدها محدودیت و رودرو شدن با سلاح‌های مدرن امپریالیستی به‌میدان آمده است و خواهان تغییر وضعیت ناهنجار کنونی‌ست. خواهان نقش‌آفرینی و انتخاب سیاست‌های مقابله‌ای از جانب نیروهای مدافع‌اش علیه سرکوب‌گران و حافظان نظام‌های سرمایه‌داری می‌باشد. این خواست واقعی و باطنی کارگران است و پرواضح است که بدون بُرش کمونیستی و بدون رد سیاست‌ها و تاکتیک‌های نافرجام و ناموفق و بدون سازمان‌دهی جدید و فعال، جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ای از مسیر پیش‌رونده‌ی خود باز خواهند ماند. در حقیقت پرچم کمونیستی زمانی در سرزمین‌های تحت سلطه‌ی سرمایه برافراشته خواهد شد که سازمان‌های مدافع

این‌ها افکار کارگران را تشکیل می‌دهند و بی‌گمان چنین اهداف و خواسته‌های به‌حقی، با خُلق و خوی سرمایه‌داران کمترین قربانیتی ندارد و بی‌دلیل هم نیست که هر زمان کارگر - و آن‌هم - در هر گوشه‌ای از جهان سرمایه‌داری دارد به میدان می‌آید و دست به اعتراض می‌زند با آتش سلاح‌های ارگان‌های مدافع آنان روبه‌رو می‌گردد.

سرمایه‌جان کارگر را به لباش رسانده است؛ حقوق‌اش را نمی‌دهد و دارد اخراج‌اش می‌کند و از بازپرداخت دست‌مزدهای‌اش سر باز می‌زند. کارگر خواهان حقوق عادلانه در ازای کار است و نمی‌توان هم تا ابد به یمن سلاح‌های مدرن و با زور و سرکوب خواسته‌های بدیهی و اولیه‌ی کارگران را پس زد. البته که سرمایه بنا به ماهیت و رسالت‌اش راه و چاره‌ی دیگری ندارد و می‌خواهد بحران دائم‌التزایدش را با سرکوب و با به راه‌اندازی جنگ‌های خانمان‌سوز و تخریبی پاسخ دهد؛ می‌خواهد تحت لوای "برقراری نظم نوین جهانی" دنیا را به کام میلیاردها انسان محروم تلخ نماید. این سیاست قدرت‌مداران جهانی می‌باشد و در مقابل منفعت کارگران سرتاسر جهان و به ویژه کارگران آفریقای جنوبی هم با نابودی حاکمان و تمامی نهادهای به اصطلاح مدافع کارگر گره خورده است. پرواضح است که زمانی کارگران آفریقای جنوبی از شر حاکمان زورگو رهائی خواهند یافت که ریشه‌ی سرمایه خشکانده شود؛ زمانی کارگران آفریقای جنوبی و دیگر هم‌قطاران‌شان به اهداف دیرینه‌ی خود دست خواهند یافت که در صنفی واحد و یک‌پارچه و به رهبری مدافعین‌شان، نظام سرمایه‌داری و ارگان‌های سرکوب‌گر وابسته به آنان را نشانه گیرند.

گواه تاریخ بر آن است که سرمایه مدافع به رسمیت‌شناختن حق و حقوق توده‌های محروم و به ویژه کارگران نیست و مهم‌تر از آن این که به اثبات رسیده است هیچ جنبش اعتراضی کارگری - توده‌ای هم، بدون هدایت کمونیستی و سر سالم، ره به جایی نخواهد بُرد. در حقیقت سرمایه‌داران و به ویژه حاکمان آفریقای جنوبی به این دلیل بر سر



با توجه به این تحلیل، شرکت‌های عمده در یک صنعت بالغ یا توسعه‌یافته در واقع رقبای محض یکدیگر نیستند، بلکه ترجیحاً رقبای الیگابلیستیکی (چندجانبه‌ای) هستند که به گفته‌ی جوزف شومپتر درگیر "قیمت‌گذاری مورد قبول و احترام" برای همدیگرند. ۲۶

هیچ یک از چنین رقبائی نمی‌تواند بدون توقع تلافی از سوی دیگر رقبایش، اقدام به کاهش قیمت‌ها نماید. با توجه به ماهیت مخرب چنین جنگ قیمتی، همان‌طور که باران و سوئیزی مطرح نمودند، تمایل به سمت ثباتی در عرصه‌ی قیمت‌هاست. کاهش قیمت‌ها در صنایع متمرکز بسیار نادر است، در حالی که افزایش قیمت‌ها توسط شرکت‌ها معمولن پشت سر هم می‌باشد و شایع‌ترین شکل آن نیز رهبری تعیین قیمت از سوی بزرگ‌ترین شرکت در آن صنعت است.

استدلال ما این است که با تمرکز، مرکزیت یافتن و گسترش شرکت‌های چندملیتی در مقیاسی جهانی، که در حال حاضر به طرز فزاینده‌ای بر تولید جهانی حاکمیت دارد، ماهیت رقابت نه فقط در سطح ملی، بلکه اینک در سطح بین‌المللی نیز تغییر یافته است. بنابراین، ادوارد گراهام (Edward Graham) و پال کروگمن (Paul Krugman) اقتصاددانانی که در سال ۱۹۹۵ در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده‌ی آمریکا نوشتند که مسیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، به میزان قابل توجهی، به سوی تولید "رقابت انحصاری الیگابلیستیکی" است. ۲۷

در حال حاضر شرکت‌های مسلط برای مزایای انحصاری بیش‌تر که حاصل کنترل استراتژیک بر عناصر مختلف تولید و توزیع می‌باشد، در تلاش هستند و در عین حال در برابر رقابت قیمت واقعی نه تنها در سطح ملی، بلکه همچنین در سطح بین‌المللی مقاومت می‌ورزند.

انسداد رایج چهارم در تفکر ما این تصور است که رشد مالی و فن‌آوری‌های ارتباطی دیجیتال جدید به شدت بر بازار رقابت به‌بهای گرایش به سمت انحصار - انحصار چندجانبه افزوده است. اما مالی‌شدن و دیجیتالی‌شدن در واقع کاملن و یکپارچه به توسعه و بلوغ شرکت‌های عظیم مرتبط است. سرمایه‌ی مالی، شرکت مدرن را امکان‌پذیر ساخت و به تمرکز سرمایه به ویژه از طریق ادغام و مالکیت سرعت بخشید.

طبقه‌ی کارگر با تمام قوا، سرکوب‌گران و حامیان ریزودرشت سرمایه را عملاً مورد خطاب قرار دهند و دستان و افکار استثمارگران را از سفره‌ی تپه‌ی کارگران و جامعه قطع نمایند.

بین‌المللی‌شدن سرمایه‌ی انحصاری

اثر مشترک

جان بلیمی فاستر، رابرت دبلیو مک‌جسنی و آر. جمیل جونا
ترجمه: پویان کبیری (قسمت هفتم)

حرکت اولیه‌ی شرکت الف در واقع برای بالا بردن سود آن انجام گرفته بود، ولی نتیجه‌ی حاصله ممکن است کل مؤسسه را در یک وضعیت بدتر قرار دهد... شرایط بازار بی‌ثبات از این نوع در مراحل اولیه‌ی سرمایه‌داری انحصاری امری بسیار معمول بود و هنوز هم هر از گاهی اتفاق می‌افتد، اما خصیصه‌ی سرمایه‌داری انحصاری امروز نیست. واضح است که این‌ها برای شرکت‌های بزرگ با آن میل وافرشان به نگاه به آینده، برنامه‌ریزی دقیق و شرط‌بندی تنها بر روی مسائل حتمی، نفرت‌انگیز می‌باشند. بنابراین جلوگیری از چنین موقعیت‌هایی، به عنوان امری ناگزیر برای انجام منظم و سودآور کسب و کار، به اولین نگرانی و دغدغه‌ی خط‌مشی شرکت تبدیل می‌شود.

هدف به وسیله‌ی مصلحت ساده‌ی ممنوع کردن کاهش قیمت‌ها، به عنوان یک سلاح مشروع جنگ اقتصادی، به دست می‌آید. طبیعتن همه‌ی این قضایا به یکباره اتفاق نیافتاده یا به عنوان تصمیمی آگاهانه رخ نداده است. این موضع‌گیری در برابر کاهش قیمت‌ها، مانند تابوهای قدرتمند دیگر، به مرور رشد کرده و از دل تجربه‌های طولانی و اغلب تلخ بیرون آمده و قدرتش ناشی از این واقعیت است که این امر در خدمت به منافع نیروهای قدرتمند جامعه است. تا وقتی که این موضوع پذیرفته شده و تحت نظر باشد، ابهامات یا عدم اطمینان‌های خطرناک از تعقیب عقلانی سود حداکثر، حذف می‌گردد. ۲۵





★ مقالات بدون امضاء از سوی شورای نشریه می‌باشند. ★

برای ارتباط با ما، با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:

Post: Postbus 10492

1001 EL Amsterdam, Nederland

TEL.: +31 624 797 133

E-Mail: pouyan@19bahman.net

Web site: <http://www.19bahman.net>

با کمک‌های مالی خود و ارانهای هرگونه سؤال، نظر، انتقاد و
پیشنهاد، ما را در انجام وظایفمان یاری رسانید.

در دوران کنونی سرمایه‌ی مالی انحصاری جهانی، سرمایه‌ی مالی که
زمانی تثبیت ملی قدرت اقتصادی را ترویج می‌کرد، اینک به گسترش
نقش آن در تحکیم شرکت در سطح جهانی مشغول است. علاوه بر این،
خود شرکت‌های مالی به شکل فزاینده‌ای در معرض تمرکز و
مرکزیت‌یابی در مقیاس جهانی قرار گرفته و به بخشی از مهاجرت
فراملی سرمایه تبدیل شده‌اند. فن‌آوری اطلاعات، که زمانی تصور
می‌شد هموارکننده‌ی بزرگ باشد، خود تحت انحصار جهانی درآمده
و در عین حال به طور کلی روند انحصار را تقویت نموده است. ۲۸

زیرنویس‌ها:

۲۵- پال باران و پال سوئیزی، "سرمایه‌ی انحصاری" (نیویورک:
انتشارات مانتلی ریویو، ۱۹۶۶)، صفحات ۵۷ تا ۵۹.

۲۶- جوزف ای. شامپیتر (Joseph A. Schumpeter)، "سرمایه‌داری،
سوسیالیسم و دموکراسی" (نیویورک: انتشارات هارپر و برادران،
۱۹۴۲) صفحه ۹۰.

۲۷- ادوارد ام. گراهام (Edward M. Graham) و پال آر.
کروگمن (Paul R. Krugman)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در
ایالات متحده‌ی آمریکا (واشنگتن دی سی: انستیتوی بین‌المللی اقتصاد،
۱۹۹۵)، صفحه ۱۹۳.

۲۸- جان بلیمی فاستر و رابرت دیلیو مک‌جسنی، ازدواج نامقدس
اینترنت با سرمایه‌داری، مانتلی ریویو، دوره ۶۲، شماره ۱۰، مارچ
۲۰۱۱، صفحات ۱ تا ۳۰. ادامه در شماره‌ی بعد

رفقای گرامی!

با ارسال مقالات و مطالب خود، ما را در غنای بیش‌تر نشریه
یاری رسانید بدیهی است، مطالبی در نشریه منتشر خواهند
شد که در راستای اهداف و وظائف مبارزاتی سازمان ۱۹
بهمن قرار داشته باشند. از اصلاح املائی و انشائی مطالب
رسیده معذور می‌باشیم.

بازماندگان باد طوفانی سرخ‌ها با پیشتگان دهمی ۶۰



زنده باد انقلاب! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر! زنده باد کمونیسم!